



تفسیر آیات مشکل

درس ۵

محکّمات و متشابهات

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد



مقدمه

با بررسی آیات مشکله قرآن متوجه می‌شویم، آیات محکم و متشابه از جمله مواردی است که به تصریح آیات قرآن، خداوند برای آزمایش بندگانش آن‌ها را نازل فرموده است. هدف از این درس، بیان مراد آیات محکم و متشابه در قرآن، لغت و آیات و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) است، که به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

محتوای آموزشی

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ».

(آل عمران، ۷)

«او کسی است که بر تو کتاب را نازل کرد بعضی از آن، آیات محکم است که ریشه‌کنابند و بعضی دیگر آیات متشابه هستند، (که معنای آن‌ها به ظاهر روشن نیست). پس آن گروه که در دل‌هایشان کجی وجود دارد، از آن آیاتی که متشابه هستند به قصد فتنه و به قصد تأویل آن، پیروی می‌کنند و تأویل آن را جز خدا و استواران در علم نمی‌دانند. می‌گویند: به آن باور داریم، همگی از جانب پروردگار ماست و جز صاحبان اندیشه‌ها، یادآور نمی‌شوند.»

لغت و اعراب

۱. «محکّمات» جمع محکم، استوار و ثابت، چیزی که فساد در آن راه ندارد. در ماده «حکم» نوعی منع وجود دارد، یعنی مانع از فساد، تباهی و سستی است. ضمناً «منه آیات...» حال از کتاب است.
۲. «ام‌الکتاب» ریشه کتاب. امّ در این جا به معنای اصل، اساس و ریشه است.
۳. «اخر» جمع آخر غیر منصرف است، زیرا هم وصفیت دارد و هم عدول، چون اصل آن یا باید الف و لام داشته باشد و یا با من تمام شود، (چون افعال التفضیل است) این کلمه از آن دو حالت عدول کرده و بدون الف و لام، و من استعمال می‌شود.
۴. «متشابه» شبیه هم، در این جا به معنای جمله‌ای است که احتمالاتی در معنای آن داده می‌شود، که شبیه هم هستند.
۵. «زیغ» کجی و انحراف، میل از حق.
۶. «تأویل» تفسیر و بیان مراد، توضیح جملاتی که احتیاج به توضیح دارد، تحقق یافتن موضوع در خارج.
۷. «راسخون» ثابتان و استواران. وقتی کسی در چیزی بیش‌تر کار کرد و تعمق نمود، می‌گویند در آن رسوخ



پیدا کرده است.

۸. «والراسخون» عطف به الله و «يقولون» حال از آن است. برخی از مفسران او را مستأنفه گرفته‌اند. (در این باره به طور مفصل بحث خواهیم کرد).

۹. «میعاد» مصدر میمی به معنای وعده، مانند: میقات به معنای وقت.

تفسیر

مفهوم محکم و متشابه

در این آیه خداوند آیات قرآنی را به دو دسته تقسیم می‌کند:

۱- آیات محکم. منظور از آن، آیاتی است که معنای آن‌ها به خوبی روشن است و نیازی به تأویل و توجیه ندارد و انسان به مجرد شنیدن آن، معنا را می‌فهمد. این گروه از آیات، اصل، اساس و ریشه قرآن است که از آن به «ام-الکتاب» یاد شده و به کمک این آیات، آیات دیگری که فهم آن‌ها مشکل است، فهمیده می‌شود.

در واقع، محکم عبارت است از، کلامی متقن که دلالت آن بر معنی مقصود واضح و روشن است و احتمال وجوه دیگری نمی‌رود و این کلمه مأخوذ از «حکم» است، که در لغت به معنی منع و سدّ می‌باشد. گویا کلام محکم مانع از آن است که احتمال معنای دیگری جز آنچه متکلم اراده کرده است، داده شود. بنابراین، محکّمات آن دسته از آیات است که دلالت روشنی دارند، مانند: «لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا - إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۲- آیات متشابه. منظور از آن، آیات خاصی است که فهم آن‌ها در حله نخست مشکل می‌نماید و باید درباره آن‌ها اندیشید و به آیات محکم ارجاع داد و با کمک آیات دیگر و دقت و تعمق، به مفهوم آن‌ها راه یافت. مانند آیه: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» که با تعمق و توجه به این که خداوند جسم نیست و با توجه به آیات محکمی مانند: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»، روشن می‌شود که منظور از آن نشستن بر تخت نیست، بلکه منظور گستردگی قدرت خدا و تسلط او بر جهان است.

متشابه عبارت است از، کلامی که مقصود متکلم از آن روشن نیست و احتمال معانی گوناگونی داده می‌شود و این کلمه مأخوذ از «تشابه‌الوجوه» است که به معنی شباهت صورت‌ها به هم دیگر می‌باشد. گویا در کلمات متشابه معانی مختلفی که شبیه یکدیگرند، احتمال داده می‌شود و یا کلام به گونه‌ای است که شباهت به معانی گوناگونی دارد.

«سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الْمُحْكَمِ وَالْمُتَشَابِهِ قَالَ: الْمُحْكَمُ مَا نَعْمَلُ بِهِ وَالْمُتَشَابِهُ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ جَاهِلُهُ»^۱

از امام صادق (علیه السلام) درباره محکم و متشابه پرسیدند، فرمود: محکم آن است که به آن عمل می‌شود و متشابه آن است که بر کسی که آن را نمی‌داند، مشتبه شود.

توجه کنیم که تقسیم آیات قرآن به محکمت و متشابهات، یک تقسیم حصری است، چون کلمه «آخر» جمع «آخری» و به معنای بقیه آیات است.

مطلب مهمی که در این جا تذکر می‌دهیم، این است که تمام آیات قرآنی از یک نظر محکم هستند و از یک نظر متشابه؛ زیرا وقتی آیات متشابه، به آیات محکم ارجاع داده شد و معنای درست آن به دست آمد، تبدیل به محکم می‌شود و از سوی دیگر آیات محکمی که به خودی خود معنای روشنی دارد، اگر با آیات دیگری، چه محکم و چه متشابه، ترکیب گردید، معنای جدیدی به دست می‌دهد، که به تنهایی آن معنا را نمی‌داد؛ لذا از این نظر می‌توان آن را متشابه خواند.

در کنار مطلبی که گفتیم، در قرآن کریم یک جا تمام آیات قرآنی محکم و در جای دیگر تمام آیات آن متشابه معرفی شده، که مفهوم دیگری دارد:

«كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» (هود/۱)

کتابی است که آیات آن محکم است، آن گاه از سوی خداوند حکیم و آگاه تفصیل داده شده.

«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا» (زمر/۲۳)

خداوند زیباترین سخن را نازل کرد که کتابی متشابه است.

می‌توان گفت که منظور از محکم در آیه سوره هود، استوار بودن قرآن در لوح محفوظ و پیش از نزول آن است و منظور از متشابه در آیه سوره زمر، شبیه هم بودن آیات قرآنی در بلاغت، صحت و اتقان به یکدیگر است.

نکته دیگری که در این جا تذکر می‌دهیم این است که، علاوه بر آیات قرآنی، احادیث معصومین هم همین حالت را دارد. امام رضا (علیه السلام) فرمود: در اخبار ما هم مانند قرآن متشابه وجود دارد، پس آن را به محکم آن برگردانید.^۱ به نظر می‌رسد که مفهوم محکم و متشابه نسبی است، یعنی ممکن است آیه‌ای برای کسی محکم و همان آیه برای کس دیگری متشابه باشد. مثلاً آیه: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»، برای افراد معمولی محکم است، ولی برای یک فیلسوف متکلم از متشابهات است. او باید کیفیت تعلق علم الهی به اشیا و این که، آیا علم خدا بر جزئیات هم تعلق می‌گیرد، یا نه و بحث‌هایی از این قبیل را، مورد بررسی قرار بدهد.

البته عکس آن نیز قابل تصور است. به این صورت که آیه‌ای برای کسی که در رتبه بالایی از علم و معرفت قرار دارد، محکم و برای کس دیگری که در این حد نیست، متشابه باشد.

۱. نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۸.



دیگر این که حتی متشابه هم درجاتی دارد، ممکن است یک آیه برای کسی تشابه اندکی و برای دیگری تشابه بیش-تری داشته باشد.

سوءاستفاده کنندگان از آیات متشابه

پس از تقسیم‌بندی آیات قرآنی به محکم و متشابه، از سوءاستفاده‌هایی که گاهی بعضی از غرض‌ورزان از آیات قرآنی می‌کنند، خبر می‌دهد. در آیه شریفه تأکید می‌کند، کسانی که در دل‌های آنان انحراف وجود دارد، از آیات متشابه برای رسیدن به دو هدف پیروی می‌کنند:

۱. ابتغاء الفتنة؛

۲. ابتغاء تأويله.

منظور از فتنه‌جویی این است که، شخص عنایتی به درک مفهوم آیه ندارد و فقط آیه را به جهت فتنه‌انگیزی و رسیدن به یک سود مادی مطرح می‌کند، مانند تأویل آیه: «مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره/۲۰۷) به ابن ملجم که به دستور معاویه و توسط سمره‌بن جندب انجام گرفت^۱ و منظور از طلب تأویل این است که کسی برای تأیید عقیده خاصی که دارد، آیه را بر آن تطبیق می‌دهد و این همان تفسیر به رأی مذموم است. گروه‌هایی مانند خوارج، قدریه، مرجئه، بعدها معتزله، حشویه و اشاعره همواره اندیشه‌های خودساخته خود را به آیات قرآنی تحمیل می‌کردند. درحالی که یک مسلمان راستین همواره باید خود را تسلیم و سرسپرده آیات قرآنی کند و هر چه به دور از جنجال‌های تبلیغی و گروه‌گرایی، از قرآن به دست آمده، از آن پیروی کند.

علت اشمال قرآن بر آیات متشابه

اکنون این سؤال مطرح می‌شود، که وجود آیات متشابه در قرآن که قابل تأویل و توجیه به معانی مختلف است، چه حکمتی دارد؟ و آیا بهتر نبود که همه آیات قرآنی از نوع محکم بودند تا آن‌ها که دل‌هایشان مریض است، آیات متشابه را دست‌آویز خود قرار ندهند؟ به عبارت دیگر، علت اشمال قرآن بر آیات متشابه چیست؟

بعضی‌ها از جمله مرحوم علامه طباطبائی گفته‌اند: اشمال قرآن بر آیات متشابه از روی ناچاری بوده و قرآن که با زبان اهل آن زمان نازل شده، ناچار بود که در بیان معارف بلند خود از الفاظ و اسلوب‌های متداول زمان استفاده کند و آن الفاظ کشش این معانی را نداشت و برای همین بود که در بعضی از آیات تشابه به وجود آمد و منظور اصلی در خفا قرار گرفت^۲، ولی ما تصور می‌کنیم که اشمال قرآن بر آیات متشابه برای این بود که میدان برای رشد

۱- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۳.

۲. المیزان، ج ۳، ص ۲۲.





و بالندگی استعداد بشری باز باشد و دانشمندان هر عصری مطابق با استعداد خود، از آیات قرآنی چیزهای تازه‌ای به دست آورند.

آیات متشابه، به هر شخصی در هر سطح فکر و علمی اجازه می‌دهد که از قرآن استفاده کند و شاید منظور از بطون سبعة هم، همین باشد.^۱ یعنی هر انسانی باتوجه به ظرفیت وجود و استعداد ذهن و درک خود به معنای خاصی می‌رسد و افراد مختلف، معانی گوناگونی به دست می‌آورند و این معجزه مضاعفی برای قرآن است که به گونه‌ای سخن گفته که هرکس در هر سطحی از فکر که باشد، مطلبی را به دست می‌آورد و همه آن‌ها هم صحیح است؛ لذا روایات مربوط به سبعة احرف را که اهل سنت نقل کرده‌اند^۲ و در برخی از روایات ما رد شده است،^۳ امام صادق (علیه السلام) چنین توضیح داده، که منظور از سبعة احرف، هفت لهجه نیست که آن‌ها می‌گویند، بلکه منظور همان تفاوت سطح فکرهاست.^۴

در برخی از روایات هم به این مطلب اشاره شده، که ممکن است بعضی از آیات در آینده معنای جدیدی پیدا کند: «سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنِ التَّوْحِيدِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَمِّقُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْآيَاتِ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ»^۵

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: خداوند می‌دانست که در آخرالزمان گروه‌هایی ژرف‌اندیش خواهند آمد، سوره قل هوالله احد و آیتی از سوره حدید را نازل کرد.

از این روایت و برخی دیگر از روایات، می‌توان این اشاره را دریافت که در آیات قرآنی، برای هر کسی در هر سطح فکری که باشد، سهمی از علم و معرفت وجود دارد و معارف قرآن مانند باران است که هر ظرفی به گنجایش خود آن را در خود جای می‌دهد: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا».

البته قرآن راه استفاده درست از متشابهات را نیز نشان داده، تا کسی منحرف نشود و آن ارجاع آن آیات به آیات محکم که ریشه قرآن هستند، می‌باشد که در این آیه آمده و دیگر تدبیر و اندیشیدن که در آیات دیگر آمده است؛ بنابراین، قرآن دو وسیله برای فهم درست آیات متشابه قرار داده: یکی ارجاع به محکّمات و دیگری تدبیر و اندیشیدن:

«أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد/۲۴)

۱. قال الباقر (عليه السلام): ظهره تنزيلة و بطنه تأويله. (بصائر الدرجات، ص ۲۱۶).

۲. صحيح بخاری، ج ۶، ص ۱۰۰؛ جامع البيان، ج ۱، ص ۱۱.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۰.

۴. الخصال، ص ۲۵۸.

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۹۲.

آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند یا بر دل‌ها قفل‌هاست.

با این دو ابزار، مردم هر عصری می‌توانند نیازهای خود را برطرف سازند و از قرآن و معارف بلند آن مطابق با ظرفیت و سطح دانش خود استفاده کنند. بدین‌گونه آیات متشابه قرآن سبب شده که قرآن برای همیشه تازه و قابل استفاده باشد.

درحقیقت می‌توان گفت که خداوند مطالبی را که در هر عصری و برای هر نوع استعدادی یکسان است، به‌صورت آیات محکم آورده و مطالبی را که هر قومی به‌اندازه استعداد خود و مطابق با رشد فکر و جولان اندیشه‌اش باید بفهمد، به‌صورت آیات متشابه آورده و در واقع آیات متشابه رمزهایی برای کشف اسرار و علوم هستند که هر کسی مطابق استعداد و شایستگی خود می‌تواند به آن اسرار و علوم دست یابد و کلید رمز هم معرفی شده است و آن همان آیات محکمت هستند، که قرآن از آن‌ها به‌عنوان «ام‌الکتاب» یعنی مادر کتاب یاد می‌کند.

بنابراین، اشمال قرآن بر آیات متشابه یکی از نعمت‌های بزرگ و الطاف خداوند برای بشر تا روز قیامت است و اگر کسانی از آن سوء استفاده می‌کنند و آیه متشابه را نه برای دریافت معانی عمیق، بلکه جهت فتنه‌انگیزی دست‌آویز خود قرار می‌دهند، این دیگر مربوط به قرآن نیست، بلکه عامل آن، فتنه‌جویی افراد فرصت‌طلب و بیمار دل هستند و در اصل سوء استفاده از یک حقیقت و یا یک ابزار کار، باعث نامطلوب بودن آن حقیقت و یا آن ابزار نیست و این درست به آن می‌ماند که از چاقو که برای استفاده‌های مشروع ساخته شده، در شکافتن شکم یک انسان بی‌گناه استفاده شود.

چکیده

خداوند آیات قرآنی را به دو دسته تقسیم می‌کند:

۱- آیات محکم: منظور از آن، آیتی است که معنای آن‌ها به خوبی روشن است و نیازی به تأویل و توجیه ندارد و انسان به‌مجرد شنیدن آن، معنا را می‌فهمد.

۲- آیات متشابه: منظور از آن، آیات خاصی است که فهم آن‌ها در حلقه نخست مشکل می‌نماید و باید درباره آن‌ها اندیشید و به آیات محکم ارجاع داد و با کمک آیات دیگر و دقت و تعمق، به مفهوم آن‌ها راه یافت.

- تمام آیات قرآنی از یک نظر محکم هستند و از یک نظر متشابه. در قرآن کریم یک‌جا تمام آیات قرآنی محکم و در جای دیگر تمام آیات آن متشابه معرفی شده، که مفهوم دیگری دارد.

- مفهوم محکم و متشابه نسبی است، یعنی ممکن است آیه‌ای برای کسی محکم و همان آیه برای کس دیگری متشابه باشد.



- کسانی که در دل‌های آنان انحراف وجود دارد، از آیات متشابه برای رسیدن به دو هدف پیروی می‌کنند: ۱. ابتغاء الفتنه؛ ۲. ابتغاء تأویله.
- اشتغال قرآن بر آیات متشابه برای این بود که میدان برای رشد و بالندگی استعداد بشری باز باشد و دانشمندان هر عصری مطابق با استعداد خود، از آیات قرآنی چیزهای تازه‌ای به دست آورند.

